

بررسی رابطه میان مجلات منتشره حوزه‌های تخصصی و ارتقاء علمی متخصصان کشور

مجله از جمله مطلوبترین بسترها برای طرح اندیشه‌های نوین تلقی می‌شود و مقالات مجلات به عنوان نخستین محل طرح اندیشه نوکم و بیش در جوامع مختلف پذیرفته شده است. تعدد مجلات منتشره سبب شده است که این‌گونه انتشارات خود در معرض ارزیابی قرار گیرند و برای آنها مراتب متفاوت علمی تعیین گردد. در ایران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی مجلاتی را از نظر علمی مورد تأیید قرار می‌دهد و داشتن مقاله در این‌گونه مجلات به معنای احراز بخشی از شرایط ارتقاء مرتبه دانشگاهی تلقی می‌شود. هدف بررسی حاضر کشف رابطه میان مقالات منتشره و تعداد مجلات مورد تأیید در حوزه‌های تخصصی از یک سو و میزان ارتقاء اعضای هیأت علمی در آن حوزه‌ها از سوی دیگر بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میان تعداد مجلات مورد تأیید در حوزه‌های تخصصی و میزان ارتقاء علمی متخصصان آن حوزه‌ها همبستگی مثبت وجود دارد.

مقدمه

اندیشه‌های بدیع در هر حوزه علمی تا زمانی که در معرض نقد و ارزیابی سایر متخصصان قرار نگیرد از منزلت علمی برخوردار نخواهد بود.^(۱) نخستین شرط

وقوع چنین امری مکتوب کردن اندیشه و دسترس‌پذیر ساختن آن است.^(۲) این دسترس‌پذیری از زمان شکل‌گیری اندیشه تا علمی شدن آن مراحل را طی می‌کند که گرچه در کلیه موارد صادق نیست، لیکن فرایند آرمانی آن محسوب می‌شود.

اندیشه نو معمولاً نخست در حلقه‌ای کوچک از متخصصان به بحث گذاشته می‌شود، سپس در سمینار، کنگره، یا کنفرانسی عرضه می‌گردد و از سوی مخاطبان معدودی با محک نقد و سنجش آزموده می‌شود، آنگاه به صورت مقاله‌ای در مجله در دسترس مخاطبانی گسترده‌تر قرار می‌گیرد^(۳)، و پس از آنکه مبنایی بالنسبه استوار یافت به کتابها (اعم از دانشنامه‌ها، در سنامه‌ها، و جز آن) راه می‌یابد.^(۴)

این فرایند شکل پذیرفته شده کلاسیک و مطلوب علمی است، لیکن به دلیل برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی، این مسیر در همه جوامع یکسان طی نمی‌شود. به طور مثال، ممکن است حلقه متخصصان به دلایلی از جمله بیم از سرقت اندیشه‌ای که هنوز مکتوب نشده است از این فرایند حذف گردد، یا طرح اندیشه در یک گردهمایی به سبب عدم اطمینان نسبت به چاپ بموقع مجموعه مقالات آن دچار تأمل شود.

مجله دو مسأله مورد اشاره پیشین را کمتر دارد و به همین دلیل مطلوبترین بستر برای طرح اندیشه‌های نوین تلقی می‌شود. بدیهی است فرهنگ نشر در جوامع مختلف در این زمینه نیز یکسان نیست. برخی منزلت کتاب را بیش از مقاله می‌دانند و این تلقی خود بر ارزشگذاری و در نتیجه کیفیت این دو نوع محمل اطلاعاتی نیز اثر می‌گذارد. با اینهمه، اهمیت مقاله به عنوان نخستین محمل طرح اندیشه نو کم و بیش در جوامع مختلف پذیرفته شده است.

بیان مسأله

تعدد مجلات منتشره در مقیاس جهانی و نیز در چارچوب جراید و مطبوعات ملی و محلی سبب شده است که این‌گونه انتشارات نیز خود در معرض ارزیابی قرار گیرند و برای آنها مراتب متفاوت علمی تعیین گردد. ملاکهای رتبه‌بندی مجلات در جوامع گوناگون متفاوت است. برخی مجلات به تبع اعتبار سازمانها و مجامعی که آنها را منتشر می‌کنند معتبر شناخته می‌شوند، برخی نشریات از سوی انجمنها و

ارگانهای خاص ارزشگذاری و رتبه‌بندی می‌گردند، و برخی نیز به مرور زمان و به اعتبار مقالات موقری که در شماره‌ها و دوره‌های مختلف درج کرده‌اند از وجهه و منزلتی علمی که جامعه برای آنها قایل می‌گردد برخوردار می‌شوند.

در ایران، از هر سه نوع مجله می‌توان یافت، اما نوع خاص و تعریف شده‌ای از ارزشگذاری برای مجلات تخصصی وجود دارد که اعتبار یک مجله را می‌توان از آن طریق سنجید. این مجلات طی مراحل طی از طریق وزارت فرهنگ و آموزش عالی تحت عنوان مجلات مورد تأیید تعیین می‌گردند و با صفت‌هایی چون "علمی و پژوهشی"، "علمی و کاربردی"، "علمی و ترویجی"، و "علمی خبری"، شناخته می‌شوند. درج مقاله در برخی از این گونه مجلات به تناسب نوع آنها، دلیل علمی و معتبر بودن نسبی مقاله تلقی می‌گردد، و طبعاً از امتیاز بیشتری برخوردار است.

در مراکز آموزشی و پژوهشی کشور برای ارتقاء اعضای هیأت علمی، داشتن مقاله یا مقالاتی که در این گونه مجلات درج شده باشند به معنای احراز بخشی از شرایط ارتقاء تلقی می‌گردد، بخشی که چندان هم کم اهمیت نیست. زیرا گاه علی‌رغم کسب امتیازهایی بیش از سقف تعیین شده از فعالیت‌های دیگر، نداشتن مقاله در این گونه مجلات ارتقاء عضو هیأت علمی را دچار تعلیق یا تعویق می‌کند، حتی اگر تعداد مقالات درج شده در سایر مجلات قابل توجه باشد.

هدف بررسی

هدف بررسی حاضر کشف رابطه میان مقالات منتشره و تعداد مجلات مورد تأیید در حوزه‌های تخصصی از یک سو و میزان ارتقاء اعضای هیأت علمی در آن حوزه‌ها از سوی دیگر است. هرگاه رابطه‌ای معنی‌دار میان این متغیرها برقرار باشد، می‌توان در برنامه ریزی‌های علمی مراکز آموزشی و پژوهشی از آن بهره جست.

فرضیه‌های پژوهش

برای بررسی حاضر دو فرضیه تدارک شده است:

فرضیه ۱. میان تعداد مقالات تولید شده در حوزه‌های تخصصی و میزان ارتقاء علمی متخصصان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه ۲. میان تعداد مجلات مورد تأیید در حوزه‌های تخصصی و میزان ارتقاء علمی متخصصان آن حوزه‌ها همبستگی مثبت برقرار است.

پرسشهای اساسی

برای آزمون فرضیه‌های صورت‌بندی شده لازم است به پرسشهای زیر پاسخ داده شود:

۱. میان تعداد مقالات اعضای هر حوزه تخصصی و تعداد مجلات آن حوزه چه رابطه‌ای برقرار است؟

۲. میان تعداد مجلات منتشر شده در هر حوزه تخصصی و ارتقاء اعضای هیأت علمی آن حوزه چه رابطه‌ای وجود دارد؟

۳. میان تعداد مقالات تولید شده توسط اعضای هر حوزه تخصصی و تعداد مجلات مورد تأیید چه نوع همبستگی می‌توان یافت؟

۴. میان تعداد مقالات تولید شده و میزان ارتقاء علمی متخصصان چه رابطه‌ای برقرار است؟

۵. همبستگی میان تعداد مجلات مورد تأیید و تعداد اعضای دانشیار به بالا در هر حوزه تخصصی چگونه است؟

تعریف اصطلاحات

اصطلاحات مورد اشاره در این بررسی با معانی عملیاتی زیر به کار رفته است:
مجلات مورد تأیید به مجلاتی اطلاق شده است که وزارت فرهنگ و آموزش عالی آنها را رسماً تأیید کرده باشد.

مقالات تولید شده ناظر بر مقالاتی است که توسط اعضای هیأت علمی تهیه شده و در مجلات به چاپ رسیده باشد.

ارتقاء علمی اشاره به تغییر مرتبه از استادیاری به دانشیاری و از دانشیاری به استادی در مراکز آموزشی، و مرتبه‌های معادل آنها در مراکز پژوهشی است.

گروهها (حوزه‌ها)ی تخصصی، در اینجا، مشخصاً به شش گروه علوم انسانی، فنی و مهندسی، پزشکی، علوم پایه، کشاورزی، و هنر اطلاق شده است.

روش کار

داده‌های خام مورد استفاده در این بررسی از "گزارش ملی تحقیقات سال ۱۳۷۱" شورای پژوهش‌های علمی کشور (منتشر شده در تابستان ۱۳۷۲)^(۵) اخذ گردیده است. مبنای این گزارش مطالعه گسترده وضع موجود ۳۱۶ مؤسسه تحقیقاتی و دانشگاهی در سطح کشور است. در گزارش مورد اشاره، کلیه اجزاء و عناصر و فعالیتهای مرتبط با وضع موجود این مؤسسات گردآوری و گزارش شده است. اما در نوشته حاضر تنها اطلاعات موردنظر این بررسی، یعنی وضعیت مقالات چاپ شده، اعضای هیأت علمی، مجلات مورد تأیید، و کل مجلات گروه‌های تخصصی، بر حسب نیاز از جای جای گزارش مذکور اخذ شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

برای تهیه گزارش ابتدا کلیه مؤسساتی که به نحوی در امور پژوهشی فعالیت دارند، اعم از دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی دولتی و غیر دولتی شناسایی شده و پس از تهیه فهرست آنها، پرسشنامه‌هایی تدوین و برای یکایک آنها ارسال گردیده است. از میان ۵۸۵ مؤسسه شناسایی شده، ۳۱۶ مؤسسه به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند. عمده پرسشنامه‌های عودت داده شده مربوط به مؤسسات کوچک خصوصی است که عملاً در تحقیقات فعال نبوده‌اند.

اطلاعات مربوط به متغیرهای مورد مطالعه درج و با توجه به تنوع گروه‌های تخصصی، وضع کمی مجلات، و نیز چگونگی ارتقاء اعضای هیأت علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

یافته‌های بررسی حاضر را می‌توان به سه مقوله عمده مجلات منتشر شده، مقالات چاپ شده، و وضع ارتقاء اعضای هیأت علمی تقسیم کرد و به شرح زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

الف. وضعیت مجلات منتشر شده

جدول ۱. تعداد و درصد عناوین مجلات علمی بر حسب گروه‌های تخصصی

مجلات	فارسی		لاتین		عربی		فارسی-انگلیسی		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱ فنی و مهندسی	۷۲	۷۴	۲	۲	-	۰	۲۳	۲۴	۹۷	۱۰۰
۲ علوم پایه	۱۸	۹۰	۲	۱۰	-	۰	-	۰	۲۰	۱۰۰
۳ کشاورزی	۱۵	۶۸	۲	۹	-	۰	۵	۲۳	۲۲	۱۰۰
۴ علوم انسانی	۱۲۸	۷۷	۱۶	۹/۵	۶	۳/۵	۱۷	۱۰	۱۶۷	۱۰۰
۵ پزشکی	۱۸	۵۵	۲	۶	-	۰	۱۳	۳۹	۳۳	۱۰۰
۶ هنر	۳۴	۸۷	۱	۳	-	۰	۴	۱۰	۳۹	۱۰۰
جمع	۲۸۵	۷۵	۲۵	۷	۶	۲	۶۲	۱۶	۳۷۸	۱۰۰

همان‌گونه که از داده‌های جدول ۱ برمی‌آید، کل مجلات منتشر شده مربوط به گروه‌های تخصصی ششگانه بالغ بر ۳۷۸ عنوان است^(۶) که بیشترین تعداد عناوین (۷۵ درصد) فارسی و کمترین آنها (۲ درصد) به زبان عربی است. بیشترین درصد در هر یک از حوزه‌های تخصصی نیز متعلق به مجلات فارسی است که از ۹۰ درصد (علوم پایه) تا ۵۵ درصد (پزشکی) متغیر است.

جدول ۲. توزیع مجلات علمی منتشر شده میان گروههای تخصصی

مجلات	فارسی		لاتین		عربی		فارسی-انگلیسی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
فنی و مهندسی	۷۲	۲۵	۲	۸	-	۰	۲۳	۳۷
علوم پایه	۱۸	۶/۵	۲	۸	-	۰	-	۰
کشاورزی	۱۵	۵	۲	۸	-	۰	۵	۸
علوم انسانی	۱۲۸	۴۵	۱۶	۶۴	۶	۱۰۰	۱۷	۲۷
پزشکی	۱۸	۶/۵	۲	۸	-	۰	۱۳	۲۱
هنر	۳۴	۱۲	۱	۴	-	۰	۴	۷
جمع	۲۸۵	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	۶	۱۰۰	۶۲	۱۰۰

جدول ۲ نشان می‌دهد که از ۲۸۵ مجله منتشر شده فارسی ۴۵ درصد متعلق به علوم انسانی است که بالاترین سهم را داراست و سپس به ترتیب: فنی و مهندسی (۲۵ درصد)، هنر (۱۲ درصد)، علوم پایه و پزشکی در مرتبه برابر (هر یک ۶/۵ درصد) و کشاورزی (۵ درصد) قرار دارند. در مورد مجلات لاتین نیز علوم انسانی (با ۶۴ درصد) بالاترین سهم را داراست و در مراتب بعدی: فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی، و پزشکی (با ۸ درصد) دارای سهم مساوی، و هنر (با ۴ درصد) دارای پایین‌ترین رتبه است. در مورد مجلات دوزبانه، بیشترین سهم (۳۷ درصد) متعلق به فنی و مهندسی است و علوم انسانی (با ۲۷ درصد) و پزشکی (با ۲۱ درصد) در مراتب دوم و سوم قرار دارند. کلیه مجلات عربی در حوزه علوم انسانی منتشر می‌شود.

ب. وضعیت مقالات چاپ شده

جدول ۳. پراکندگی مقالات چاپ شده فارسی و لاتین در گروه‌های تخصصی

مقالات	گروه‌ها		فنی و مهندسی		علوم پایه		کشاورزی		علوم انسانی		پزشکی		هنر	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
مقالات فارسی	۵۳۷	۳۴	۸۳۷	۶۳	۲۱۰	۸۴	۲۰۶۲	۹۲	۷۸۲	۹۷	۳	۱۰۰		
مقالات لاتین	۱۰۶۳	۶۶	۵۰۳	۳۷	۴۱	۱۶	۱۷۵	۸	۱۹	۳	-	۰		
جمع	۱۶۰۰	۱۰۰	۱۳۴۰	۱۰۰	۲۵۱	۱۰۰	۲۲۳۷	۱۰۰	۸۰۱	-	۳	۱۰۰		

همان‌گونه که از جدول ۳ برمی‌آید بیشترین سهم مقالات چاپ شده فارسی به علوم انسانی تعلق دارد و علوم پایه و پزشکی در مراتب دوم و سوم قرار می‌گیرند. بیشترین سهم مقالات لاتین متعلق به فنی و مهندسی است و علوم پایه و علوم انسانی در مراتب بعدی هستند. در ۵ گروه گرایش عمدتاً به سوی تولید مقالات فارسی است. تنها در گروه فنی و مهندسی مقالات لاتین (با ۶۶ درصد) بر مقالات فارسی (۳۴ درصد) غالب است. در مجموع، ترتیب تولید کلی مقالات عبارت است از: (۱) علوم انسانی، (۲) فنی و مهندسی، (۳) علوم پایه، (۴) پزشکی، (۵) کشاورزی، و (۶) هنر.

ج. وضعیت مجلات مورد تأیید

جدول ۴. توزیع مجلات علمی مورد تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی میان گروههای تخصصی

مجلات گروهها	فارسی		لاتین		عربی		فارسی - انگلیسی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
فنی و مهندسی	۲۳	۲۲/۵	۲	۲۰	-	۰	۶	۳۷/۵
علوم پایه	۱۵	۱۵	۲	۲۰	-	۰	-	۰
کشاورزی	۱۰	۱۰	-	۰	-	۰	۲	۱۲/۵
علوم انسانی	۳۴	۳۳	۴	۴۰	۲	۱۰۰	۴	۲۵
پزشکی	۱۸	۱۷/۵	۲	۲۰	-	۰	۴	۲۵
هنر	۲	۲	-	۰	-	۰	-	۰
جمع	۱۰۲	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲	۱۰۰	۱۶	۱۰۰

کل مجلات مورد تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۱۳۰ عنوان است (جدول ۴)، که از این میان ۱۰۲ عنوان فارسی، ۱۶ عنوان دوزبانه، ۱۰ عنوان لاتین و ۲ عنوان عربی است. در مجلات فارسی بالاترین رقم تأیید شده‌ها (۳۳ درصد) متعلق به علوم انسانی است و پس از آن فنی و مهندسی (۲۲/۵ درصد)، پزشکی (۱۷/۵ درصد)، علوم پایه (۱۵ درصد)، کشاورزی (۱۰ درصد)، و هنر (۲ درصد) قرار دارند. از ۱۰ عنوان مجله تأیید شده لاتین ۴۰ درصد متعلق به علوم انسانی است و فنی و مهندسی، علوم پایه، و پزشکی با سهم مساوی (۲۰ درصد) در مرتبه بعدی قرار دارند. سهم کشاورزی و هنر صفر است. بالاترین سهم تأیید شده‌های دوزبانه (۳۷/۵ درصد) به فنی و مهندسی تعلق دارد و علوم انسانی و پزشکی (با ۲۵ درصد) در مرتبه

بعدی قرار دارند. سهم کشاورزی ۱۲/۵ درصد و علوم پایه و هنر صفر درصد است.

د. وضعیت اعضای هیأت علمی

جدول ۵. توزیع مراتب استادیار به بالا در گروه‌های تخصصی

مراتب دانشگاهی	گروه‌ها	فنی و مهندسی	علوم پایه	کشاورزی	علوم انسانی	پزشکی	هنر	جمع
استاد	۳۴	۶۴	۴۱	۷۱	۳۴	۳	۲۹۷	
دانشیار	۱۰۱	۷	۷۴	۱۲۲	۶۵	۲	۳۷۱	
استادیار	۵۶۹	۳۷۰	۲۱۲	۳۳۶	۵۴۶	۲۶	۲۰۵۹	
جمع	۷۰۴	۴۴۱	۳۲۷	۵۲۹	۶۴۵	۳۱	۲۷۲۷	

همان‌گونه که از جدول ۵ برمی‌آید از کل ۲۷۲۷ عضو هیأت علمی استادیار به بالا، بیشترین سهم متعلق به مرتبه استادیاری است و دانشیاران با ۳۷۱ نفر در مرتبه دوم و استادان با ۲۹۷ نفر در مرتبه سوم قرار دارند. بیشترین تعداد دانشیار متعلق به حوزه علوم انسانی و کمترین آنها متعلق به حوزه هنر است. در مرتبه استادی نیز همین ترتیب مشاهده می‌شود. اگر این دو مرتبه علمی را بر اساس سیر نزولی مرتب کنیم چنین دو ترتیبی را در گروه‌های تخصصی خواهیم داشت:

دانشیاران: (۱) علوم انسانی، (۲) فنی و مهندسی، (۳) کشاورزی، (۴) پزشکی، (۵) علوم پایه، و (۶) هنر.

استادان: (۱) علوم انسانی، (۲) علوم پایه، (۳) کشاورزی، (۴) و (۵) پزشکی/فنی و مهندسی، و (۶) هنر.

جدول ۶. مقایسه بین مجلات منتشر شده و مجلات مورد تأیید در گروه‌های تخصصی

مجلات	فارسی			لاتین			عربی			فارسی - انگلیسی			جمع				
	کل	مورد	نسبت	کل	مورد	نسبت	کل	مورد	نسبت	کل	مورد	نسبت	کل	مورد	نسبت		
																درصد	تأیید
فنی و مهندسی	۷۲	۲۳	۳۲	۲	۲	۱۰۰	-	-	۰	-	-	۲۳	۶	۲۶	۹۷	۳۱	۳۲
علوم پایه	۱۸	۱۵	۸۳	۲	۲	۱۰۰	-	-	۰	-	-	-	-	۰	۲۰	۱۷	۸۵
کشاورزی	۱۵	۱۰	۶۶	۲	-	۰	-	-	۰	-	-	۵	۲	۴۰	۲۲	۱۲	۵۴
علوم انسانی	۱۲۸	۳۴	۲۶	۱۶	۴	۲۵	۶	۲	۳۳	۱۷	۴	۲۳	۱۷	۲۳	۱۶۷	۴۴	۲۶
پزشکی	۱۸	۱۸	۱۰۰	۲	۲	۱۰۰	-	-	۰	-	-	۱۳	۴	۳۰	۳۳	۲۴	۷۳
هنر	۳۴	۲	۶	۱	-	۰	-	-	۰	-	-	۴	-	۰	۳۹	۲	۵
جمع	۲۸۵	۱۰۲	۳۶	۲۵	۱۰	۷۰	۶	۲	۳۳	۶۲	۱۶	۲۶	۳۷۸	۱۳۰	۳۹		

جدول ۶ حاکی است که ۱۳۰ عنوان از ۳۷۸ عنوان مجله تخصصی (یعنی ۳۹ درصد) مورد تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار گرفته است. از لحاظ تقسیمات زبانی، در واقع ۳۶ درصد از مجلات فارسی، ۷۰ درصد مجلات لاتین، ۳۳ درصد مجلات عربی، و ۲۶ درصد مجلات دو زبانه مورد تأیید قرار گرفته است. از لحاظ توزیع در گروه‌های تخصصی، به ترتیب ۸۵ درصد مجلات علوم پایه، ۷۳ درصد مجلات پزشکی، ۵۴ درصد مجلات کشاورزی، ۳۲ درصد مجلات فنی و مهندسی، ۲۶ درصد مجلات علوم انسانی، و ۵ درصد مجلات حوزه هنر مورد تأیید قرار گرفته است.

توزیع زبانی مجلات در گروه‌های تخصصی حاکی است که بالاترین سهم مجلات فارسی تأیید شده (۱۰۰) متعلق به حوزه پزشکی، و سپس به ترتیب علوم پایه

(۸۳ درصد)، و هنر (۶ درصد) است. صد درصد مجلات لاتین تأیید شده متعلق به فنی و مهندسی، علوم پایه، و پزشکی است. در مجموع، گرچه بالاترین تعداد مجلات تأیید شده متعلق به حوزه علوم انسانی است، ولی بیشترین درصد تأیید شده‌ها نسبت به کل مجلات هر حوزه تخصصی به علوم پایه تعلق دارد.

پرسشهای اساسی

پرسش ۱. میان تعداد مقالات هر حوزه تخصصی و تعداد مجلات آن حوزه چه رابطه‌ای برقرار است؟

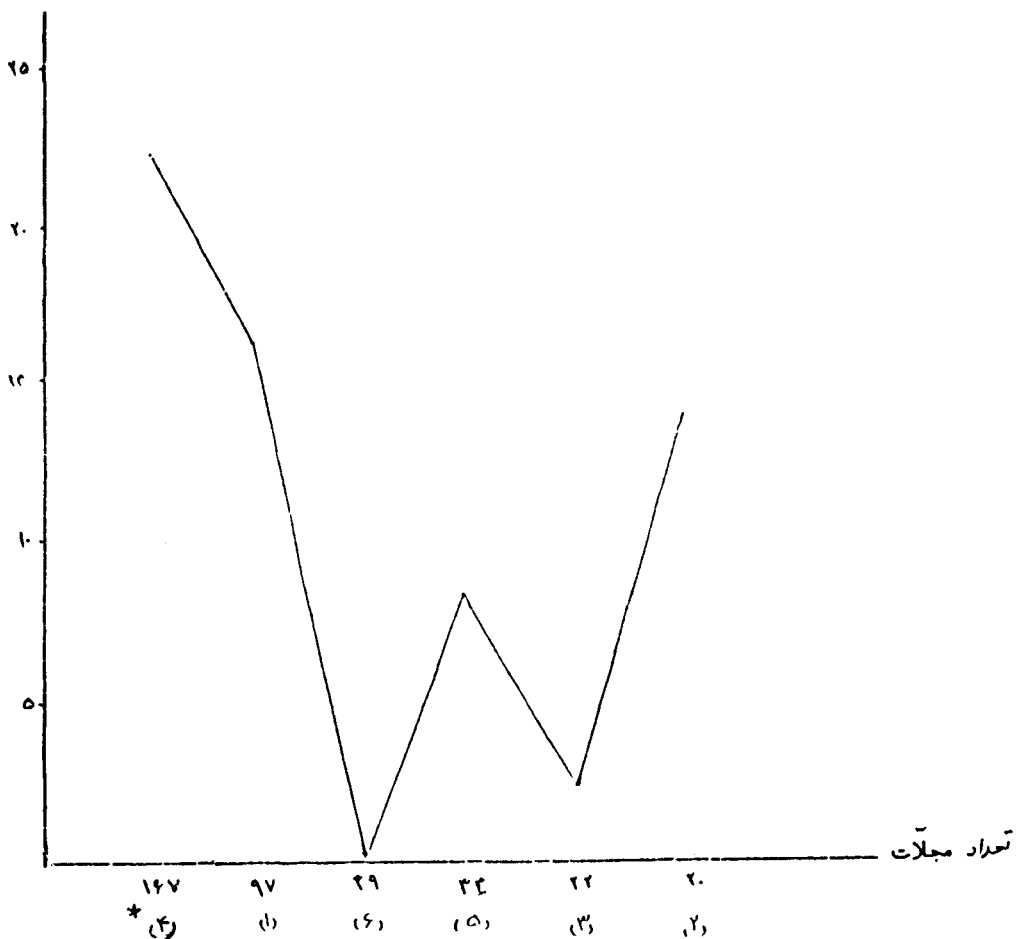
جدول ۷. مقایسه میان تعداد مقالات و تعداد مجلات مربوط به گروههای تخصصی

هنر	پزشکی	علوم انسانی	کشاورزی	علوم پایه	فنی و مهندسی	گروهها مقالات و مجلات
۳	۸۰۱	۲۲۳۷	۲۵۱	۱۳۴۰	۱۶۰۰	تعداد کل مقالات
۳۹	۳۳	۱۶۷	۲۲	۲۰	۹۷	تعداد کل مجلات تعداد مجلات
۲	۲۴	۴۴	۱۲	۱۷	۳۱	مورد تأیید

همان‌گونه که از جدول ۷ و نمودار ۱ برمی‌آید میان تعداد مقالات تولید شده در حوزه‌های تخصصی و تعداد مجلات آن حوزه رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر نمی‌توان پیش‌بینی کرد که با افزایش یک متغیر، متغیر دیگر نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس. نوع همبستگی میان این دو متغیر در نمودار ۱ به روشنی قابل درک است.

تعداد مقالات

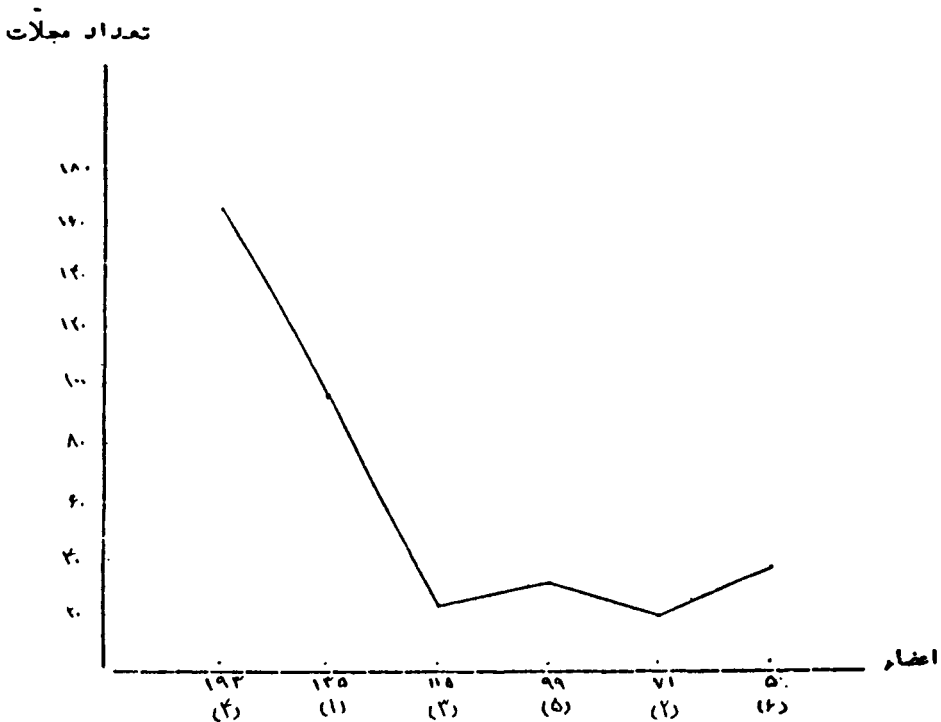
(٪)



نمودار ۱. رابطه میان تعداد مقالات و تعداد مجلات حوزه‌های تخصصی

* شماره‌های داخل پرانتز ناظر بر شماره ردیف جدول ۱ است.

پرسش ۲. میان تعداد مجلات منتشر شده در هر حوزه تخصصی و ارتقاء اعضای هیأت علمی آن حوزه چه رابطه‌ای وجود دارد؟ همان‌گونه که از داده‌های جداول ۵ و ۷ و نمودار ۲ برمی‌آید رابطه معنی‌داری میان تعداد مجلات منتشر شده و تعداد اعضای هیأت علمی دانشیار به بالا در کلیه حوزه‌ها وجود ندارد. این امر نشان می‌دهد که نمی‌توان اطمینان داشت که صرف افزایش کمی مجلات متعلق به حوزه‌های تخصصی ارتقاء علمی متخصصان آن حوزه‌ها را تضمین می‌کند.

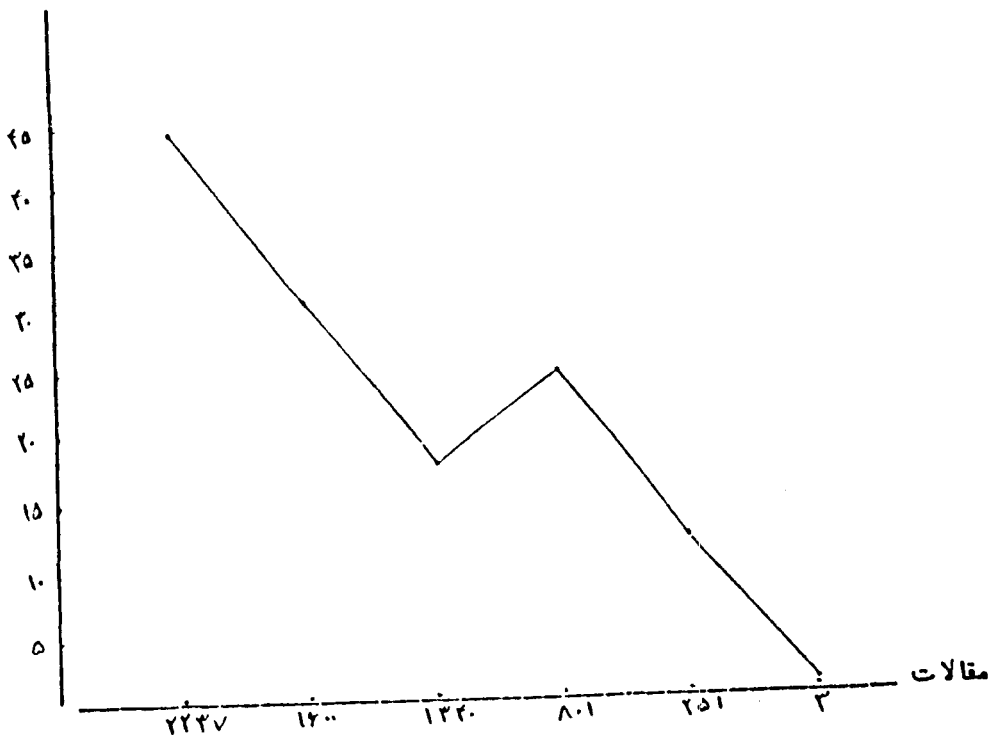


نمودار ۲. رابطه میان تعداد مجلات و تعداد اعضای علمی دانشیار به بالا

۳۷ بررسی رابطه میان ...

پرسش ۳. میان تعداد مقالات تولید شده توسط اعضای هر حوزه تخصصی و تعداد مجلات مورد تأیید چه نوع همبستگی می‌توان یافت؟
داده‌های مندرج در جدول ۷ و نمودار شماره ۳ حاکی از آن است که به جز یک مورد (علوم پایه)، میان دو متغیر تعداد مقالات تولید شده و مجلات مورد تأیید همبستگی مثبت وجود دارد. این رابطه حاکی است که با افزایش تعداد مجلات مورد تأیید می‌توان احتمال داد که تعداد مقالات تولید شده نیز افزایش خواهد یافت.

مجلات تسأهید شده



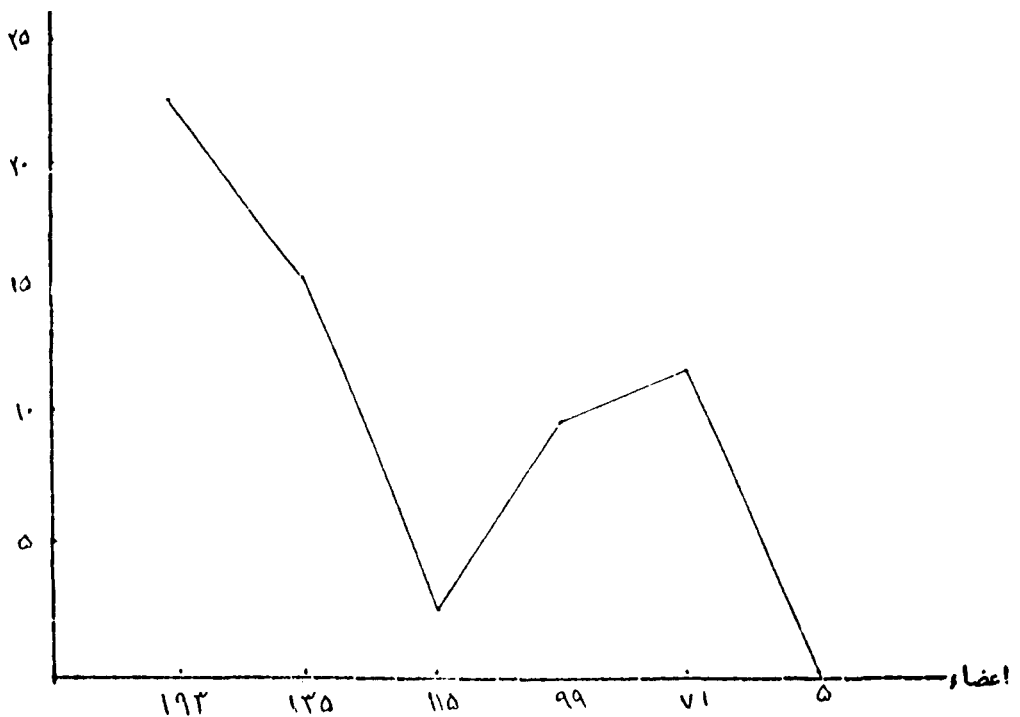
نمودار ۳. رابطه میان تعداد مقالات تولید شده و تعداد مجلات مورد تأیید

پرسش ۴. میان تعداد مقالات تولید شده و میزان ارتقاء علمی متخصصان چه رابطه‌ای برقرار است؟

با استفاده از داده‌های جدول ۷ و نمودار ۴، می‌توان دریافت که میان تعداد مقالات تولید شده و میزان ارتقاء اعضای هیأت علمی حوزه‌های تخصصی همبستگی مثبتی در همه حوزه‌ها برقرار نیست. به عبارت دیگر می‌توان پیش‌بینی کرد که صرف فزونی مقالات تولید شده نمی‌تواند ارتقاء مراتب علمی را در پی داشته باشد.

تعداد مقالات

(٪۱)



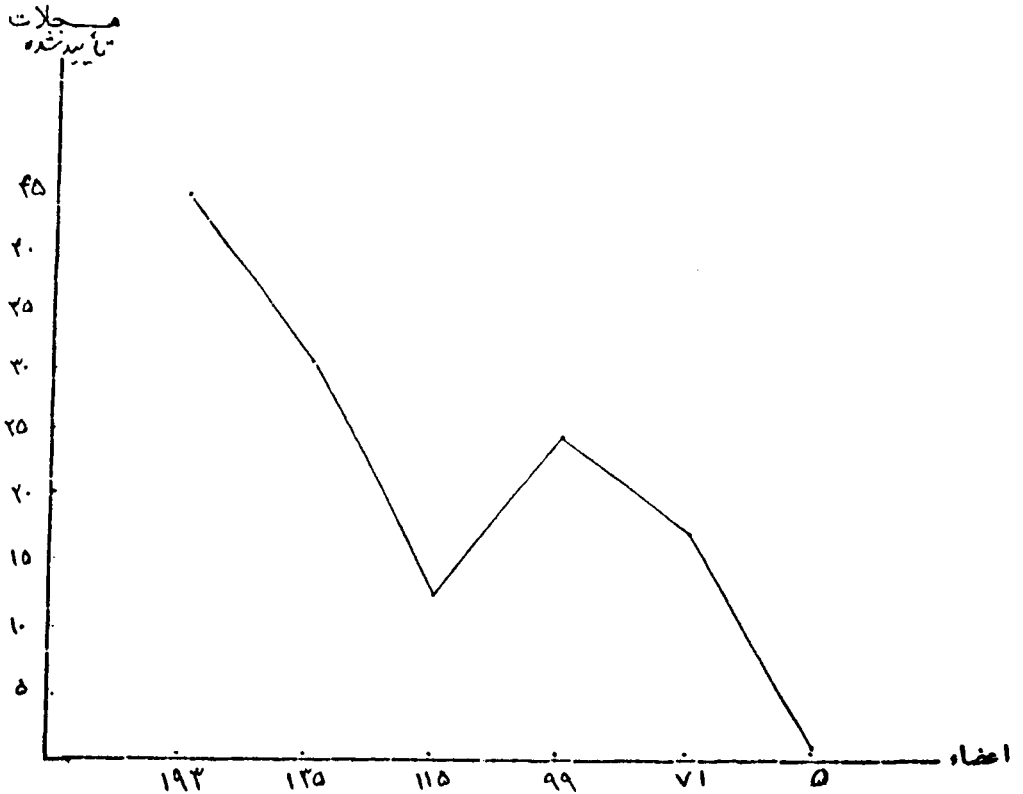
نمودار ۴. رابطه میان تعداد مقالات تولید شده و میزان ارتقاء علمی متخصصان

پرسش ۵. همبستگی میان تعداد مجلات مورد تأیید و تعداد اعضای دانشیار به بالا در هر حوزه تخصصی چگونه است؟

جدول ۸. مقایسه میان تعداد اعضای دانشیار به بالا و تعداد مجلات مورد تأیید

گروهها	فنی و مهندسی	علوم پایه	کشاورزی	علوم انسانی	پزشکی	هنر	مرتبه و مجله
دانشیار به بالا	۱۳۵	۷۱	۱۱۵	۱۹۳	۹۹	۵	
مجلات تأیید شده	۳۱	۱۷	۱۲	۴۴	۲۴	۲	

جدول ۸ نشان می‌دهد که بیشترین تعداد اعضای دانشیار به بالا متعلق به علوم انسانی و کمترین آنها متعلق به حوزه هنر است، و حوزه‌های فنی و مهندسی، کشاورزی، پزشکی، و علوم پایه به ترتیب در میان این دو قطب قرار دارند. مجلات تأیید شده این گروه‌ها به جز یک مورد (کشاورزی)، همین ترتیب را دنبال کرده است. یعنی بیشترین تعداد دانشیار به بالا متعلق به حوزه‌ای است که بیشترین مجله تأیید شده را دارد و بالعکس. با توجه به داده‌های جدول ۸ و نمودار شماره ۵، می‌توان پیش‌بینی کرد که هرگاه تعداد مجلات مورد تأیید در یک حوزه افزایش یابد احتمال ارتقاء اعضای هیأت علمی آن حوزه نیز افزایش خواهد یافت.



نمودار ۵. رابطه میان تعداد مجلات مورد تأیید و تعداد دانشیار به بالا

نتیجه گیری

یافته‌های بررسی حاضر حاکی از آن است که مقالات تولید شده، مجلات متعلق به حوزه‌های تخصصی، و وضعیت ارتقاء اعضای هیأت علمی در میان رشته‌ها و گروه‌های مختلف بسیار متفاوت است. اما نتایج حاصل شده از جداول و نمودارها حاکی است که میان این متغیرها رابطه معنی‌داری پیوسته برقرار نیست. برخی متغیرها با یکدیگر همبستگی مثبت دارند، در برخی حوزه‌ها همبستگی از نوع منفی

است، و در مواردی نیز مقایسه کلی میان دو متغیر نشان دهنده معنی دار نبودن رابطه‌هاست. در مجموع می‌توان به نتایج زیر اشاره داشت.

۱. میان تعداد مقالات تولید شده و میزان ارتقاء اعضای هیأت علمی مراکز آموزشی و پژوهشی رابطه معنی داری وجود ندارد. این دستاورد فرضیه شماره ۱ بررسی حاضر را تأیید می‌کند.

۲. در حوزه‌هایی که تعداد مجلات مورد تأیید آنها بیشتر است، میزان ارتقاء اعضای هیأت علمی آن حوزه‌ها نیز بالاتر است. این نتیجه فرضیه شماره ۲ تحقیق را مورد تأیید قرار می‌دهد.

۳. به عنوان نتیجه‌ای جانبی می‌توان اشاره کرد که بالا بودن تعداد کلی مجلات متعلق به حوزه‌های تخصصی به معنای تضمین ارتقاء اعضای هیأت علمی گروه‌های تخصصی نیست.

بحث و نظر

یافته‌های بررسی حاضر در مجموع حکایت از آن دارد که صرف تعدد مقالات تولید شده برای ارتقاء به مراتب بالای آموزشی و پژوهشی کافی نیست، بلکه جایگاه درج آن مقالات حائز اهمیت بیشتری است. در واقع، از جمله ملاکهای تعیین منزلت علمی مقاله، بستری است که مقاله در آن قرار می‌گیرد. حتی داده‌های کمی بررسی حاضر نیز چنین امری را تأیید می‌کند. اما چنین دستاوردی تبعاتی نیز در پی دارد که اشاره به آنها بی‌مناسبت نیست:

الف. گرچه علی‌القاعده این درست است که اعتبار مجله خود از جمله ملاکهای تعیین منزلت علمی مقاله مندرج در آن است، اما این رویداد همیشه مقرون به صحت نیست. به عبارت دیگر، می‌توان مقالاتی را در مجلات مورد تأیید یافت که از مرتبه علمی چندان والایی برخوردار نیستند، و بالعکس برخی مقالات مندرج در مجلات تأیید نشده از وزن و وقر علمی قابل اعتنایی برخوردارند.

ب. کسانی که در پی کسب مرتبه بالاتر علمی در دانشگاهها و مراکز پژوهشی هستند، با عنایت به چنین ارزشگذاری‌هایی که در هیأت‌های ممیزه می‌شود، پیشاپیش برای محل درج مقالات خود برنامه‌ریزی می‌کنند. این امر دو پیامد دارد:

یک. مجلات مورد تأیید با تراکم مقالات روبه‌رو می‌شوند و این خود درج مقاله‌ها را به تأخیر می‌اندازد و سبب کهنگی موضوع می‌شود.

دو. هجوم به این‌گونه مجلات، سایر مجلات (یعنی تأیید نشده‌ها) را از لحاظ علمی کم‌مقدار می‌کند، و این امر در دراز مدت سبب افت علمی مخاطبان غیرمتخصص یعنی اقشار مختلف مردم جامعه می‌شود.

ج. همان‌گونه که در بخش تجزیه و تحلیل یافته‌ها آمده است، توزیع مجلات مورد تأیید میان حوزه‌های مختلف تخصصی یکسان نیست. هرگاه هر یک از حوزه‌های ششگانه مورد بررسی به زیر مجموعه‌های واقعی خود (یعنی رشته‌های دانشگاهی) تقسیم شوند احتمالاً در خواهیم یافت که برخی زیر مجموعه‌ها اساساً فاقد مجله تأیید شده هستند.^(۷) این بدان معناست که اعضای هیأت علمی می‌بایست از مجلات تأیید شده رشته‌هایی بهره‌مند شوند که سنخیت چندانی با رشته آنان ندارد و برای آنکه توجیهی برای قبول مقاله خود بیافرینند می‌کوشند آن را به نحوی با رشته میزبان پیوند دهند. این امر خود وجه علمی مقاله را قربانی نوعی سیاست‌پیشگی جبری و تحمیل شده می‌سازد که طبعاً مغایر با اهداف اصلی ارتقاء علمی است.

د. برخی مجلات تأیید شده بسیار شبیه روزنامه رسمی است که دادگستری برای درج آگهی حصر وراثت و از این قبیل از آن استفاده می‌کند و معمولاً از چهاردیواری دادگستری خارج نمی‌شود و ارزش آن در حد تکمیل اسناد پرونده حصر وراثت است. این‌گونه مجلات بعضاً تنها در بررسی پرونده‌های ارتقاء و در حلقه کوچک هیأت‌های ممیزه مورد استفاده قرار می‌گیرد، و حتی مخاطبان محدود پیش‌بینی شده آنها نیز چندان رغبتی به مطالعه آنها ندارند.

پیشنهادها

با توجه به نتایج حاصل شده از بررسی حاضر، چنین به نظر می‌رسد که می‌توان راه‌هایی را برای صرفه‌جویی در وقتی که اعضای هیأت علمی صرف تهیه مقاله‌های خود می‌کنند توصیه کرد:

۱. صرف نظر از آنچه در باب مقالات مندرج در مجلات تأیید شده صورت می‌گیرد، مقالات سایر مجلات نیز فی‌نفسه مورد ارزیابی قرار گیرند. گرچه این امر هم‌اکنون نیز در بررسی پرونده‌های ارتقاء ملحوظ است، لیکن به گونه‌ای بایسته به این مقالات عنایت نمی‌شود.

۲. سیاستی اتخاذ گردد که رشته‌های مختلف آموزشی و پژوهشی بتوانند از حداقل تعداد مجلات مورد تأیید برخوردار شوند. این سیاست سبب خواهد شد که نوعی عدالت علمی - دست‌کم به طور نسبی - میان رشته‌های مختلف برقرار گردد.

در مورد پژوهش‌های آتی نیز می‌توان پیشنهادهایی ارائه کرد: از جمله اینکه:

- الف. پراکندگی تعداد مقالات میان مرتبه‌های مختلف علمی بررسی شود تا فراوانی نسبی مقالات و نیز میزان باروری هر مرتبه تعیین گردد.
- ب. مجلات تأیید شده با دقت بیشتری میان رشته‌ها تقسیم شود تا به درستی معلوم گردد که سهم هر رشته از مجلات مورد تأیید تا چه پایه است.
- ج. فهرست مقالات تولید شده تهیه و پراکندگی آنها میان مجلات تأیید شده و تأیید نشده بررسی گردد تا بتوان یافته‌های پژوهش حاضر را محک زد و صحت و سقم یافته‌ها و نتایج به دست آمده را سنجید.

منابع

۱. عباس حزّی، "کتاب و عالم سوم پوپر"، نشریه علوم تربیتی، سال ۱۰، شماره ۳-۴ (۱۳۶۶)، ص ۹.
۲. بریان مگی، پوپر، ترجمه منوچهر بزرگمهر (تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹)، ص ۸۰.
۳. عباس حزّی، مروری بر اطلاعات و اطلاع رسانی (تهران: نشر کتابخانه، ۱۳۷۲)، ص ۲۳۱.
4. D.E. Davinson, *Periodicals*. 3 rd ed. (London: Andre Deutsch, 1964), P.18.
۵. شورای پژوهش‌های علمی کشور، گزارش ملی تحقیقات سال ۱۳۷۱ (تهران: تابستان ۱۳۷۲)؛ و نیز مندرج در فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، ویژه‌نامه زمستان ۱۳۷۲.
۶. پوری سلطانی، راهنمای مجله‌های ایران ۱۳۷۰ (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱).
۷. رجوع کنید به: فهرست "اعتبار علمی مجلات داخلی مورد تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی فروردین ۶۳ الی مردادماه ۷۰"، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (پلی کیپی).